



تفسیر «وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ» در سده‌های ۱۰-۱۵: یک بررسی تاریخی-تطبیقی

سیده هانیه مومن^۱ ✉، زهرا قاسم نژاد^۲ ID، و حمید ایماندار^۳ ID

^۱ دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، پژوهشگر مستقل، شیراز، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه:

hmomen25@yahoo.com

^۲ دانشیار، گروه علوم قرآن و فقه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه:

z_ghasemi62@yahoo.com

^۳ استادیار، گروه علوم قرآن و فقه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه:

hamidimandar@yahoo.com

چکیده

بررسی تحول فهم برخی عبارات قرآنی موضوعی است که از دیرباز اندیشمندان قرآنی به آن اهتمام داشته‌اند و برای این موضوع، علل متعددی به دست داده‌اند. از جمله عللی که کمتر بدان پرداخته شده «گفتمان‌ها» هستند که در خلق یک تفسیر، نقش مؤثری ایفا می‌کنند. در این نوشتار، تلاش بر آن است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تأکید بر علت مذکور، تحولات تفسیری عبارت «وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ» (بقره: ۲۵۱/ حج: ۴۰) در قرآن کریم بررسی شود. از آنجاکه عبارت مورد بحث از قرون نخست تا دوره معاصر با تعدد آرای تفسیری مواجه بوده است و تحلیل همه آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد، در پژوهش حاضر به بررسی تحولات تفسیری عبارت شریفه، در پنج قرن اخیر (سده‌های دهم تا پانزدهم هجری) پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در قرن‌های چهاردهم و پانزدهم، به دنبال ورود علوم غربی به دنیای اسلام، مفسران تدافع در عبارت پیش‌گفته را — که در قرن‌های دهم و یازدهم تدافعی معنوی، و در قرن‌های دوازدهم و سیزدهم غالباً تدافعی عرفانی دانسته می‌شد — بیشتر به تدافع تنازعی و نقطه مقابل آن، یعنی تدافع تعاونی، تفسیر کرده و گاه تدافع معنوی را دیدگاه ضعیف یا مردود اعلام داشته‌اند.

کلیدواژگان: آیه ۴۰ سوره حج، آیه ۲۵۱ سوره بقره، تحول آرای تفسیری، سنت تدافع



مقدمه

قرآن در قرآن کریم از سنت‌های مختلفی در حوزه‌های متعددی سخن به میان آمده است که بسیاری از آن‌ها متعلق به حوزه جامعه و تاریخ است. از آنجاکه آیات بیان‌کننده این دسته از سنت‌ها در قرآن کریم فراوان است، در این پژوهش به بررسی تحولات تاریخی آرای مفسران درباره یکی از این سنت‌ها با عنوان «سنت تدافع»، که خداوند متعال در دو آیه از قرآن کریم به صراحت بدان اشاره نموده است، پرداخته می‌شود. این دو آیه عبارت‌اند از:

فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (بقره: ۲۵۱)

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَادِمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٍ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (حج: ۴۰)

درک مفسران عصرهای مختلف درباره مفهوم عبارت «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ» با یکدیگر متفاوت بوده است که نمونه‌ای از این تفاوت برداشت‌های تفسیری را می‌توان در تحول آرای مفسران طی پنج قرن اخیر دید. در پژوهش حاضر، به منظور تبیین بهتر تحولات تفسیری در این پنج قرن، با توجه به تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی، سیر تاریخی آرای مفسران طی این دوران را به سه زيردوره تقسیم می‌کنیم. این سه زيردوره عبارت‌اند از: سده‌های دهم و یازدهم قمری، دوازدهم و سیزدهم قمری، چهاردهم و پانزدهم قمری. در پژوهش حاضر، تلاش بر آن است که تحولات آرای مفسران نسبت به عبارت مورد بحث، با توجه به مقوله «گفتمان»، تحلیل و بررسی شود. به این منظور، پس از تبیین مفاهیم اصلی مورد نیاز پژوهش، نخست، گزارشی از سیر تاریخی آرای تفسیری مفسران درباره مفهوم عبارت «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ» در سده‌های دهم تا پانزدهم قمری ارائه می‌گردد. در گام دوم نیز پس از شناسایی و تشریح گفتمان‌های رایج در هر عصر، به تبیین نقش‌آفرینی و تأثیر آن گفتمان‌ها در شکل‌گیری آرای تفسیری پرداخته می‌شود. گفتنی است که در این جستار به دلیل محدود بودن مجال صرفاً به بررسی و تحلیل تحولات مذکور در پنج قرن اخیر پرداخته شده است.

تحلیل تحولات مفهوم تدافع در سده‌های دهم تا پانزدهم

بررسی‌ها حاکی از آن‌اند که در عین ثابت بودن دیدگاه تدافع نظامی در تمام عصرها، که ناظر بر دفع مشرکان و کفار توسط مؤمنان و مسلمانان است، در سده‌های دهم و یازدهم، مفسران، تدافع مذکور را به تدافعی معنوی تفسیر نموده و آن را ناظر بر دفع عذاب‌های الهی به واسطه امامان معصوم (ع) و نیز شیعیانی دانسته‌اند که ارکان دینی چون نماز، زکات و حج را به پا می‌دارند. طی سده‌های دوازدهم و سیزدهم تعدادی از مفسران، با سوق دادن عبارت شریفه به سمت موضوع جهاد با نفس، مفهومی عرفانی از تدافع ارائه نموده‌اند. در دوران معاصر یعنی سده‌های چهاردهم و پانزدهم نیز شاهد تحول دیگری در این خصوص هستیم؛ به این صورت که برخی از مفسران تلاش نموده‌اند، با تطبیق عبارت مورد بحث بر موضوعات تنازع بقا و انتخاب اصلح، تفسیری علمی برای آن بیان نموده و از این طریق به اعجاز علمی قرآن اشاره نمایند. همچنین در این دوره، برخی دیگر از مفسران در تقابل با این خوانش (تنازع بقا) از عبارت مذکور، آن را ناظر بر تعاون و وابستگی میان افراد یک جامعه دانسته و معتقدند بدون این تعاون و همکاری اجتماعی، زندگی در یک جامعه امکان‌پذیر نمی‌باشد.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار نشان داده شد که یکی از علت‌های مهم خوانش‌های متفاوت مفسران درباره عبارت قرآنی «وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ» گفتمان‌هایی است که متن مفسر تحت تأثیر آن گفتمان‌ها تدوین یافته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مفسران عمدتاً در سده‌های دهم و یازدهم، تحت تأثیر گفتمان اخباری‌گری، تدافع در عبارت مذکور را ناظر بر تدافع معنوی دانسته‌اند، به این معنا که خداوند به برکت وجود امامان معصوم (ع) و شیعیان آنها عذاب را از دیگران دفع می‌کند. با ورود به سده دوازدهم، که مقارن با اوج‌گیری گفتمان صوفی‌گرایی است، برخی مفسران متأثر از این گفتمان مفهومی عرفانی از عبارت شریفه ارائه نموده و مطابق آن، مقصود از تدافع را تدافعی دانسته‌اند که در جهاد با نفس با استمداد از نیروهای ظاهری چون مشایخ سالکان و نیروی باطنی عقل تحقق می‌یابد. در دوره معاصر نیز برخی مفسران تحت تأثیر گفتمان‌های علم‌گرایی و اصلاح‌طلبی تلاش نموده‌اند عبارت مذکور را به ترتیب با اصول تنازع بقا و انتخاب اصلح، که دو اصل از اصول اولیه نظریه تکامل انواع داروین هستند، و دیدگاه تعاون و همکاری اجتماعی مطابقت دهند.

منابع

- استرآبادی، علی. (۱۴۰۹ ق). تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة. مؤسسه نشر اسلامی. پاکتچی، احمد. (۱۳۸۹). تاریخ تفسیر قرآن کریم. انجمن علمی الهیات دانشگاه امام صادق (ع). جانستون، باربارا. (۱۳۹۸). تحلیل گفتمان (سیدجلیل شاهی لنگرودی، مترجم). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (اثر اصلی در سال ۲۰۰۲ م منتشر شده است)
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). تسنیم: تفسیر قرآن کریم. مرکز بین المللی نشر اسراء. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی. (بی تا). تفسیر روح البیان. دار الفکر.
- رشید رضا، محمد. (۱۴۱۴ ق). تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار. دار المعرفة. صدر، محمداقرا. (۱۳۸۱). سنت‌های تاریخ در قرآن (جمال‌الدین موسوی اصفهانی، مترجم). تفاهم. (اثر اصلی در سال ۱۴۳۲ ق منتشر شده است)
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان (سید محمداقرا موسوی همدانی، مترجم) دفتر انتشارات اسلامی. (اثر اصلی در سال ۱۴۱۷ ق منتشر شده است)
- طباطبایی، سید محمدکاظم. (۱۳۹۰). تاریخ حدیث شیعه (۲). مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث. فضل‌الله، محمدحسین. (۱۴۲۱ ق). الندوة. دار الملائک للطباعة و النشر و التوزیع.